

کلمات ذوقیه

(رساله ای عرفانی در سلوک و تجرید از شیخ اشراق)

ترجمه، شرح و تحقیق

دکتر بهمن صادق مزده

سرشناسه:

صادقی مزده، بهمن، ۱۳۵۸-

عنوان و نام پدیدآور

: کلمات ذوقیه: ساله عرفانی در سلوک و تجرید از شیخ اشراق / توجیه شرح و تحقیق بهمن

صادقی مزده

مشخصات نشر

: تهران: شیعیه، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری

: ۱۱۲ ص

شابک

: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۴۳-۴۲-۳

وضعیت فهرست نویسی

: فیبا

موضوع

: سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۴۹-۵۸۷ق — نقد و تفسیر

موضوع

: سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۴۹-۵۸۷ق — کلمات ذوقیه، شرح

موضوع

: عرفان — متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع

: آداب طریقت

رده بندی کنگره

: BP۲۲۸۷.۲ ۱۳۹۶ ک ۲۷ ص

رده بندی دیویی

: ۲۹۷/۱۳

شماره کتابشناسی ملی

: ۱۰۰۵۴۲۰

کلمات ذوقیه

نگارنده: دکتر بهمن صادقی مزده

ناشر: انتشارات شیعیه

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

چاپ: هورنو

قیمت: ۱۰/۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۴۳-۴۲-۳

* حق چاپ محفوظ است *

تهران: میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت پلاک ۶۵، طبقه همکف

فهرست

مقدمه	۵
زندگی و آثار سهروردی (شیخ اشراق)	۹
علت انتخاب آراء شیخ اشراق جهت تعلیم سیر و سلوک	۱۳
فلسفه اشراق چیست؟	۱۶
بحث اول : نگاه دیگر شیخ اشراق و رابطه آن با «انسان» و سلوک معنوی اش	۲۹
• اقسام روح از نگاه شیخ اشراق	۳۴
• اثبات نفس	۳۵
• نفس چه هنگام روح زندگی را در بر می آید	۳۸
• نفس شریفترین دریاوندگان است	۴۱
• رابطه «نور» و «نفس» در تفکر شیخ اشراق (نفس نور و انسان)	۴۷
• مراتب و تقسیمات «انسان» بر اساس میزان دریافت علم و حکمت	۵۵
۱. اشقیاء و تقسیمات شقاوت	۵۶
۲. اخوان الصفا	
• اصحاب یمن	۵۸
• سعدا	۵۹
• اخیار	۵۹
• ابرار	۶۰
• مقربین	۶۰
• اخوان التجرید	۶۰
• نبی	۶۱
• خلیفه خداوند و حضور دائمی او	۶۲
• انوار پانزدهگانه و ارتباطش با مبتدیان ، متوسطان و فاضلان	۶۶
• مبتدیان و نور خاطف	۶۷

۶۸..... ۲. متوسطان و نور ثابت :

۷۰..... ۳. فاضلان « حکیمان مثاله » و خلع کالبد :

۷۵..... بحث دوم : متن رساله کلمات ذوقیه :

www.ketab.ir

یکی از مواردی که همواره برای حکما ، عرفا و فلاسفه اسلامی با اهمیت جلوه کرده ، مسئله سلوک انسان و قطع طریق و وصول به اصل و حقیقت خود است، راهی که باید در نهایت به فنای فی الله ختم شود که آن جایگاه الهی انسان است، آری بحث در مورد « انسان » و ثمره هستی و قطع طریق و اساساً سلوک اوست ، موجودی که مراتب عالم، خلق شده با او رابطه عرصه وجود گذارد، و از جهات مختلف اعم از ، روحی و جسمانی قابل بررسی بوده و در فلسفه های مختلف خواسته یا نا خواسته با رویکردهای درست یا غلط با آن روبرو شده و سعی در بررسی ابعاد وجودی آن داشته اند.

گاه او را مخلوقی بی اراده و مجبور و معطل معرفی کردند و گاه صاحب اختیار و حتی به جای خدا نشاندد ، چیزی که هست، مسأله « انسان » و جایگاه وی در هستی و کارکردها و سلوک کنونی و سابق حق، و نیز تأثیر گذاری و اثر پذیری اش از عوامل و مراتب مختلف هستی، بسیار با اهمیت است ، از آنجا که « انسان » تنها موجود صاحب تنگنه است و اعمالش برگرفته از طرز فکرش می باشد، به همین جهت تمرکز پیرامون خود و یا از جهت اندیشه های هستی شناختی و نیز خدا باورانه در اشتباه باشد و یا درست به نتیجه برسد، مسلماً در چگونگی پیشبرد زندگی اش موثر خواهد بود.

کافی است در خصوص انسان، تنها دو مورد را در نظر بگیریم و اوضاع پیش آمده دربارهٔ هریک از موارد را بررسی کنیم، آن وقت خواهیم دانست که چرا انسان و نحوهٔ سلوک او مهم است، یک رویکرد اینکه او را موجودی تصور کنیم محرک، تأثیر گذار، متعالی، در عین توأمان بودن با مشکلات و سختی ها همچنان شاد و پویا در حرکت به جانب اصل خویش و خدای خود، و دیگری، خسته، همراه با کمبری خم شده زیر بار تلاقی و بطلان در تاریکی بی هدفی و عدم سرانجامی روشن و مشخص، حال چه تضادتی در خصوص هریک از این موارد می توان داشت؟

شاید بتوان بحث از «انسان» را «فلسفهٔ انسان» نامید، با این تفاوت که فلسفهٔ یک علم، بررسی مادی است که مربوط به آن علم می شود اما خارج از خود آن می تواند مصادقه قرار گیرد، ولی مباحث مورد بررسی در خصوص «انسان» از هر زاویه ای که در نظر گرفته شود تماماً داخل در وجود و زندگی خود اوست، «انسان» محل تلاقی فرشته و حیوان است، قدرت حرکت به تمام مراتب اعم از عالم و دانی را دارد و زبدهٔ کل عالم است، به عنوان اشرف مخلوقات تمام مراتب عالم را در خود داشته و اسماء الهی را شامل می شود.

او موجودی است دارای «اخلاق» و این درحالی است که در هیچ یک از مراتب هستی از فرشته تا حیوان چنین مسأله ای را مشاهده نمی کنیم، هیچ یک از موجودات عالم به اوصافی همچون «خوب» و «بد»

متصف نشده اند، تمام درها نه رو به انسان بلکه از خود «انسان» رو به عالم باز می شود، به عقیده نگارنده هنگامی که دو جمله «انسان در عالم» و «عالم در انسان» را کنار یکدیگر قرار دهیم گویی از هردوی اینها یک مفهوم درک می شود و آن هم عبارت است از «انسان در انسان»، پس اهمیت دارد که موضوع «انسان» و بخصوص عالی تن بُعد وجودی او یعنی روحانیتش و سلوک الی الله را مورد بررسی قرار دهیم.

و در این خصوص از میان فلاسفه، شخصیتی را برای بررسی افکار و تعالیمش انتخاب نمودم، و از رویکرد خاصی در رابطه با «انسان» و به تبع آن «نفس» و «سلوک» تجریدش «بر خوردار است» و نگارنده سعی می کند روایتی از همه این موارد را در دو بحث از شیخ شهاب الدین سهروردی قطب فلسفه اشراق به رشته تحریر در آورد، که این دو عبارتند از ۱. ارائه تحقیقی پیرامون دیدگاه شیخ در مورد نفس و ارتباط آن با نور و طی طریق و ۲. ترجمه و شرح رساله ای که حجم ولی زیبا از شیخ اشراق در مورد تجرید و روش سلوک، که مبنای دین راه اوست در این زمینه.

اما اینکه چرا از میان تمام فلاسفه، وی را انتخاب کردم پاسخش باشد به عهده کلماتی که سطر به سطر به نگارش درمی آیند، البته نگارنده خود می داند که آنچه در این سطور بیان می کند شرح جهلی بیش نیست که

از صاحبان فن استدعا دارد ، اگر در آن نقصی مشاهده کردند، بر این بنده
کمترین ببخشایند و به امید بهره مندی از زلال معرفتشان، او را از چشمه
علم خود قطره ای بنوشانند.

بهمن صادقی مزده

www.ketab.ir